



راه تجربه

نوجوانان محله صادقیه این روزها پرچم ایستگاه صلواتی را بالا برده‌اند

من هم خادمم



فاطمه شوشتری باید بین آن هانشست و همراهشان شد تا حس و حالی را که دارند، درک کرد. امیرعلی که در خانه حتی بلد نبود چایش را به رنگ دلخواه بریزد، اینجا جای های خوش رنگی آماده می‌کند که طعمش باهل بی نظیر شده است. سید علی شربت آلبیمویی درست کرده است که طعم گلاب و خنکی اش در این روز و شب های گرم، نفست را سرجایش می‌آورد. محسن و مجتبی با راهنمایی مادر هایشان چنان هندوانه‌ها را زیبارش زده‌اند که گویی قالب گرفته‌اند. امین هم همه جار تمیز کرده و ایستگاه هارا نشسته و روی هم چیده، انگار سال هاست کارش در آشپزخانه می‌گذرد. همه این کارها هنر پسرهایی است که سن و سال چندانی ندارند، اما عشق امام حسین (ع) چنان شیفته خدمتشان کرده که از ابتدای ماه صفر صد خودشان را گذاشته‌اند و ایستگاه صلواتی را دانداخته‌اند.

این نخستین ایستگاه صلواتی است که این نوجوان ها به تنهایی راه انداخته‌اند و حتی تعدادی از آن ها برای اینکه ایستگاه فعال بماند و جمع نشود، دور پیاده روی اربعین را هم خط کشیدند. ایستگاهی که هر شب به مدت دو ساعت، پذیرای مردم در محله صادقیه (تقاطع صادقیه - امیریه) است.

➤ به خاطر ایستگاه صلواتی به کربلا نرفتم ➤

ایستگاه صلواتی شان اندازه قد و قواره خودشان است. از دهه اول ماه صفر آن راه انداخته‌اند و هر شب از ساعت ۸ چراغ‌هایش را روشن می‌کنند. لیوان های شربت و استکان های چای را مرتب روی پیشخوان می‌چینند و قد و نیم قد کنار هم می‌ایستند تا پذیرای مردم باشند.

امیرعلی برای برپایی این ایستگاه بسیار زحمت کشیده و خودش با کمک بزرگ‌ترها برای داریستش آچار به دست شده است. حتی هر شب در ایستگاه می‌خوابد تا نگهبان و سایللی باشد که از مسجد به اینجا منتقل کرده‌اند.

امیرعلی براهو با شانزده سال سن بیشتر از سن و سالش مسئولیت قبول کرده و معتقد است در این راه، همراهی امام حسین (ع) را دارد. اومی گوید: از ده سالگی در مسجد بوستان صادقیه وارد آشپزخانه شدم. کنار دست بزرگ‌ترها می‌ایستادم و نگاه می‌کردم که چطور چای و شربت را آماده می‌کنند. از همان زمان اگر ایستگاه صلواتی هم راه می‌افتاد به کمکشان می‌رفتم. امسال که قرار شد ما نوجوان های ایستگاه صلواتی راه بیندازیم، با کمک آقای بخشی، مسئول پایگاه بسیج شهید تهرانی مقدم و آقای قربان‌نژاد، امام جماعت مسجد، یک شب تا صبح اینجا ماندیم و داریست هارا زدیم. بعد با احتیاط کامل از داریست بالا رفتم و پرچم امام حسین (ع) را نصب کردم و همان جا از آقا خواستم نگهبان همه ما باشد تا خدمتگزار را رهش باشیم.

امیرعلی هر شب تعیین می‌کند چتر نفر در ایستگاه بخوابد تا وسایل را دزد نبرد. «با جان و دل اینجا را برای خدمت به امام حسین (ع) راه انداختیم و چون دوست ندارم اتفاق ناگواری بیفتد، هر شب خودم کنار بچه‌ها به عنوان نگهبان می‌مانم. حتی همراه تعدادی از بچه‌ها که از این ایستگاه راهی کربلا شدند، نرفتم تا ایستگاه را تا اربعین فعال نگه دارم.»



عکس: نرجس شاکری/شهرآرامش

➤ دعای خیر مردم کافی است ➤

محمد هر شب در ایستگاه کتری به دست در حال پرکردن استکان های چای و لیوان های شربت است. محمد خو جوییان، تازه هفده سالش شده و سال هاست که در مسجد بوستان صادقیه اذان گو است. او چهار بار در مسابقات کشوری اذان موفق به کسب رتبه برتر شده. محمد را به عنوان قاری قرآن هم می‌شناسند که خودش با الهام از قرآن و توصیه اش به همکاری سال هاست در ایستگاه های صلواتی کمک می‌کند. او پلاکی با عنوان خادم الرضا (ع) بر سینه اش چسبانده است و دوست دارد خادم ائمه (ع) باشد و می‌گوید: شاید خیلی هافکر کنند خادمی یعنی خدمت در داخل حرم مطهر یا مسیرهای منتهی به آن؛ ولی از نظر من خادمی به نیت دل هست؛ برای همین نیت کردم که چای ریز ایستگاه شوم.

او که هر شب در کنار دوستانش برای هشتصد تا هزار نفر چای و شربت می‌ریزد، شیرینی این خدمت را دعای مردم می‌خواند و معتقد است که همین دعای خیر مردم، برکت زندگی اش خواهد شد. مجتبی رمضان پور که به نوعی بزرگ‌ترین نوجوان هاست و هجده سال دارد، هماهنگی هارا بر عهده گرفته است و مسئولیت بچه‌ها را تعیین می‌کند.

➤ همراهی تمام قد مادرها ➤

ایستگاه صلواتی را این نوجوان ها اداره می‌کنند، اما مادرها هم پشت صحنه همراهشان هستند. زهرایانی، مادر سید محسن هاشمی که هر شب به این بچه‌ها سر می‌زند و خرید های آن‌ها را با کمک حجت الاسلام والمسلمین علیرضا قربان‌نژاد، امام جماعت نمازخانه بوستان صادقیه انجام می‌دهد، از مسئولیتی که به این نوجوان ها سپرده شده خوشحال است.

او می‌گوید: پسر من سرکار می‌رود، اما هر شب هر طور شده، خودش را به ایستگاه می‌رساند تا گوشه‌ای از کار را بگیرد. برای من مادر، چه چیزی از این بهتر که فرزندم در پانزده سالگی مسئولیت‌پذیری و همکاری را یاد بگیرد و از همه مهم‌تر خدمت به اهل بیت (ع) را بیاموزد.

او با بیان اینکه مادرها غیر مستقیم سعی می‌کنند راهنمایی بچه‌ها در این ایستگاه باشند، چنین تعریف می‌کند: هر شب یکی از مادرها غذا درست می‌کند و برای بچه‌ها شام می‌آورد. در همین سرزدن‌ها سعی می‌کنیم نگاهی هم به دور و برشان بیندازیم؛ مثلاً اگر استکان‌ها را خوب نشسته‌اند، نکاتی را گوشزد کنیم. اگر شکر را کنار شیر آب گذاشته‌اند، از روش نگهداری بهتر آن بگوییم. اگر چایشان بوی خامی داد، از دم کردن صحیحش بگوییم و در جمع کردن دور و بر کمک می‌کنیم.